

پژوهش جوانان، فرهنگ و جامعه

شماره سوم، پاییز و زمستان ۱۳۸۸: ۱۰۲-۸۳

تاریخ دریافت: ۱۳۸۷/۱۰/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۸۸/۰۷/۱۹

بررسی تأثیر خانواده بر شکل‌گیری هویت جنسیتی دختران

دانشجوی دانشگاه پیام نور جهرم

حسین قائمی فر*

مجتبی حمایت خواه جهرمی**

چکیده

پژوهش حاضر پیمایشی پیرامون تأثیرات خانواده بر شکل‌گیری هویت جنسیتی دختران می‌باشد که داده‌های مورد نیاز از نمونه ۳۸۴ نفری جمعیت آماری دانشجویان دختر دانشگاه پیام نور جهرم از طریق نمونه‌گیری تصادفی ساده جمع‌آوری گردیده است.

یافته‌های این بررسی نشان از همبستگی میان متغیرهای تبعیض جنسیتی، تقسیم کار در خانواده، هرم قدرت در خانواده و پایگاه اجتماعی اقتصادی با متغیر هویت جنسیتی (سنتی/ مدرن) دارد. بدین ترتیب که هر چه تبعیض جنسیتی شدیدتر، تقسیم کار جنسیتی در خانواده سنتی‌تر، هرم قدرت در خانواده سنتی‌تر و پایگاه اجتماعی اقتصادی پایین‌تر باشد هویت دختران نیز به صورت سنتی‌تر شکل گرفته است. ضریب تعیین در این پژوهش ۰/۷۸ بوده است. بدین معنا که متغیرهای مستقل ۷۸ درصد از واریانس متغیر هویت جنسیتی (متغیر وابسته) را تبیین کرده‌اند.

واژگان کلیدی: هویت جنسیتی، تبعیض جنسیتی، تقسیم کار جنسیتی، هرم قدرت در خانواده.

Hossein_gh59@yahoo.com

J_hemayat@yahoo.com

* مربی گروه جامعه‌شناسی دانشگاه پیام نور

** مربی گروه جامعه‌شناسی دانشگاه پیام نور

مقدمه

یکی از معماهای جامعه جهانی امروز که ذهن و اندیشه صاحب‌نظران حوزه‌های روانشناسی اجتماعی، جامعه‌شناسی و مطالعات فرهنگی را به خود مشغول ساخته است، موضوع هویت انسان‌هاست و از آنجا که هویت بخش مهمی از وجود هر انسانی را تشکیل می‌دهد و زندگی شخصی و اجتماعی او تحت تأثیر هویتش قرار دارد، بررسی هویت انسانها بسیار قابل تأمل می‌باشد. این مفهوم در فرآیند تحولات تاریخ اجتماعی فرهنگی و در بسترهای مناسبات سیاسی-اقتصادی جوامع عصر حاضر دستخوش دگرگونی شده، به طوری که امروزه سخن از هویت سنتی، هویت حال یا مدرن و هویت آینده یا پسامدرن به میان می‌آید.

زن و مرد بودن جدای از ویژگی بیولوژیک، یک ویژگی اجتماعی است. به طوری که آنها می‌بایست به جبر جامعه و فرهنگ، در چارچوب خاصی از رفتارهای تحمیلی و مورد پذیرش جامعه رفتار نمایند و چنین ارزشها و هنجارهای جنسیتی کلیشه‌ای را در ذهن خود درونی سازند، که در صورت تخطی از آنها نیز با عکس‌العمل افراد جامعه مواجه خواهند گردید.

ساختار سنتی خانواده پدرسالاری که عمدتاً مبتنی بر تفاوت‌های جنسیتی بود و وجه مشخصه آن اقتدار نهادی شده مردان در واحد خانواده می‌باشد، در دهه‌های اخیر در اثر اشتغال، آموزش و آگاهی زنان پرسش برانگیز شده است. تحولاتی که در ساختار خانواده و نقش‌های زنان رخ داده، زمینه دگرگونی شخصیت و هویت اجتماعی زنان را فراهم نموده است. تحصیلات عالی و اشتغال زنان از سویی موجب تضعیف مشروعیت نقش‌های زنان در خانواده سنتی (پدرسالار) شده و از سوی دیگر تقابل نقش‌های سنتی با نقش‌های مدرن و امروزی، مسئله بحران هویت زنان را ایجاد نموده است (رفعت جاه، ۱۳۸۳: ۷۱).

قانون مدنی ایران بر وجود کانون خانوادگی گرم و آرامی تأکید دارد که بر اساس آن بر اقتدار شوهر و پدر استوار است. این امر نقش‌های سنتی زنانه و مردانه را هم در خانواده و هم در اجتماع تشدید می‌کند. نقش مادری و کارهای خانگی بر عهده زن و کار خارج از خانه بر عهده مرد است و مرد نان آور خانواده محسوب می‌شود. به رسمیت شناختن اقتدار مرد در خانواده و وظیفه نان آوری او، که قانون بر عهده‌اش گذاشته

است، در حیطه اشتغال نیز موقعیت ممتازی برای فرد فراهم می‌آورد. مجموعه این سیاست‌گذارها، از طرفی روابط سنتی و مردسالارانه را در خانواده تحکیم می‌کند و از طرفی دیگر موقعیت زن را هم در بعد مادری و هم در بعد اجتماعی و اقتصادی تضعیف می‌نماید زیرا حوزه‌های عمومی و خصوصی دنیاها را جداگانه‌ای نیستند، بلکه جنبه‌هایی از یک نظام اجتماعی-فرهنگی واحدند (کیان، ۱۳۷۵: ۴۲). به نقل از حبیب‌اله، (۱۳۸۲: ۳۶). بنابراین پر واضح است که افزایش اقتدار و مشارکت زنان در عرصه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی جامعه، ساختار سنتی خانواده، که بر اقتدار و سلطه مردان استوار بود را بر هم می‌زند و هویت‌های جنسیتی جدیدتری را جایگزین هویت‌های جنسیتی کلیشه‌ای زن و مرد خواهد نمود.

بررسی تأثیر خانواده بر شکل‌گیری هویت جنسیتی دختران

بدین ترتیب با توجه به مطالبی که ذکر آن رفت سؤال اساسی پژوهش حاضر این است که هویت جنسیتی چگونه شکل می‌گیرد؟ به خصوص در جامعه در حال توسعه ایران که از سویی بر مشارکت همه جانبه افراد جامعه اعم از زن و مرد، جهت رسیدن به توسعه و پیشرفت تأکید می‌شود و از سوی دیگر هنوز فرهنگ و قوانین سنتی حاکم، بر اقتدار و سلطه مردان در خانواده اصرار می‌ورزد و برای زنان نقشی به جز نقش مادری و همسری قائل نیست. بر این اساس یک نوع تعارض میان نقش‌های سنتی و مدرن برای زنان بوجود خواهد آمد. و بی تردید در فراگرفتن نگرش فرادستی مردان و فرودستی زنان خانواده نقش کلیدی را بازی می‌کند و در واقع این والدین هستند که کلیشه‌های جنسیتی سنتی را در درون فرزندان‌شان نهادینه می‌کنند.

اما با افزایش حضور اجتماعی زنان در عرصه‌های مختلف (آموزش، اشتغال و...) نقش‌های سنتی آنها در بسیاری از جوامع امروزی مورد سؤال قرار گرفته است. بنابراین می‌توان ادعا نمود که خانواده یکی از مهمترین عوامل شکل‌گیری و ایجاد هویت جنسیتی زنان می‌باشد. بر همین اساس سؤالات اصلی تحقیق حاضر به این صورت است که:

- ۱- چه عوامل خانوادگی در شکل‌گیری و ایجاد هویت جنسیتی زنان نقش دارند؟
- ۲- چه عاملی بیشترین تأثیر در شکل‌گیری و ایجاد هویت جنسیتی زنان دارد؟

پیشینه تحقیق

نتایج تحقیق نیکجو تحت عنوان "بررسی عوامل خانوادگی مؤثر بر نگرش دختران نسبت به نقش اجتماعی خود"، نشان می‌دهد که در جوامع امروز تقسیم کار جنسیتی از حالت سنتی صرف خارج شده و حضور زنان و دختران را در عرصه‌های مختلف اجتماعی اجتناب‌ناپذیر ساخته است، اما هنوز فهم سنتی از مذهب، رسم و رسومات قومی و قبیله‌ای، افکار قالبی و ... مانعی جدی بر سر راه فعالیت اجتماعی زنان است. به طور کلی در این پژوهش بر نقش اساسی خانواده در نحوه شکل‌گیری نقش‌های اجتماعی در دختران تأکید شده است (نیکجو، ۱۳۷۷).

تحقیقی دیگر تحت عنوان "بررسی تأثیر خانواده بر نگرش‌های جنسیتی فرزندان" توسط احمدی انجام شده است که نتایج نشان می‌دهد، نگرش جنسیتی فرزندان نسبتاً سنتی و نابرابرانه است و خانواده‌ها می‌بایست به گونه‌ای عمل کنند که فرزندان آن‌ها صرفاً بر اساس الگوهای سنتی عمل نکنند، به عبارت دیگر خانواده‌ها در به عهده‌گذاری نقش‌های فرزندان صرفاً به جنسیت آنان توجه نکنند (احمدی، ۱۳۸۱).

نیازی در تحقیقی تحت عنوان "بررسی عوامل مؤثر در شکل‌گیری هویت اجتماعی سنتی - مدرن دانشجویان دختر دانشگاه شهید چمران"، مسأله هویت اجتماعی را در بستر مفهوم مدرنیته و تجدد و تغییرات فرهنگی، اجتماعی مرتبط با گذار جامعه از وضعیت سنتی به وضعیت مدرن مورد بررسی قرار داده است که نتایج نشان می‌دهد ارزش‌های سنتی موجود در ساختار اجتماعی، فرهنگی جامعه در حال تضعیف و کهنه شدن هستند و در این وضعیت دختران دانشجوی در حال فاصله گرفتن از هویتی هستند که قبلاً بوسیله‌ی نهادهای سنتی و من جمله خانواده برای آنان تعیین شده است (نیازی، ۱۳۸۶).

هیلمن^۱ در سال ۱۹۹۸ با انجام پژوهشی تحت عنوان ستیز برای خود، قدرت و هویت اجتماعی در میان دختران نوجوان چگونگی شکل‌گیری هویت را مورد بررسی قرار داده است. در این مطالعه تأثیر خانواده، رسانه‌های جمعی و همچنین پایگاه اجتماعی - اقتصادی در شکل‌گیری هویت مورد بحث قرار گرفته است. نتایج گویای این

1 . Heilman

مسأله است که رسانه‌های جمعی و خانواده نقش ضعیف و کم‌رنگی در شکل‌گیری هویت داشته‌اند و در مقابل مدرسه و معلمان می‌توانند نقش مؤثری در تشویق دختران برای دستیابی به هویتی قوی و محکم و فعال و کارآمد داشته باشند (هیلمن، ۱۹۹۸).

چارچوب نظری

پیرامون هویت جنسیتی نظریه‌های متفاوتی از حوزه‌های مختلف مطرح شده است. به طور کلی این نظریه‌ها شامل دو مقوله کلی است: نظریه‌های جامعه‌شناسان که هویت را ساخته و پرداخته ظرف زمان و مکان می‌دانند و در جریان هویت‌یابی جنسیتی بیشترین تأکید را بر روی فرآیند جامعه‌پذیری دارند که از جمله می‌توان از جنکینز، هربرت مید، گیدنز، روزنبرگ و حتی دیدگاه فمینیسم لیبرال نام برد و نظریه‌های روانشناسان، که در آنها فرآیندهای روانی شخص، نقشی ضروری در ساخت و پرداخت هویت جنسیتی ایفا می‌کنند که از جمله می‌توان از فروید، اریکسون و آلبرت باندورا (روانشناس اجتماعی) نام برد.

چارچوب تئوریک پژوهش حاضر چارچوبی ترکیبی است که محور اصلی آن بر مفهوم جنسیت تأکید دارد. مفهومی که تا حد بسیاری محصول تعاملات و فرآیندهای اجتماعی می‌باشد. با در نظر گرفتن این نکته، چارچوب نظری این پژوهش از نظریه یادگیری اجتماعی آلبرت باندورا، نظریه هربرت مید و جنکینز از مکتب کنش متقابل نمادین و دیدگاه فمینیست‌های لیبرال ترکیب یافته است.

نظریه هویت جنکینز

ریچارد جنکینز از نظریه‌پردازان مکتب کنش متقابل نمادین است که سعی کرده است در تحلیل هویت، بر شکاف میان فرد و جامعه پل بزند تا از این طریق گسستگی موجود میان هویت فردی و جمعی را از بین ببرد و با در نظر گرفتن تأثیرات دو سویه افراد و ساختارهای اجتماعی فرآیندهای هویت‌یابی و هویت‌سازی را تبیین نماید. بازسازی مفهوم "هویت اجتماعی"، هدف اصلی ریچارد جنکینز در کتاب خویش با عنوان هویت اجتماعی برای کاربرد جامعه‌شناختی است. زاده شدن فرآیندی را آغاز می‌کند که به موجب آن افراد در جهان اجتماعی پذیرفته می‌شوند و خود را به آن می‌پذیرانند و در چارچوب آن هویت‌هایی را اختیار می‌کنند (جنکینز، ۱۳۸۱: ۹۷).

طبق این رویکرد نظری هویت شخصی، هویتی اولیه و بنیادی و الگویی برای فهم همه هویت‌های بعدی است. جنسیت مهمترین عاملی است که به تجربه فرد سامان می‌دهد و آن را در خویشتن ادغام می‌کند (جنکینز، ۱۳۸۱: ۸۴). جنکینز در کتاب هویت اجتماعی خود درباره هویت جنسیتی این چنین می‌نویسد: کسب هویت در بدو امر فرآیند دو جانبه‌ای بین والدین و نوزاد است و یکی از آشکارترین وجوه هویت فردی است که در تعامل با دیگران ساخته می‌شود (جنکینز، ۱۳۸۴: ۹۸)، بنابراین ساختار اجتماعی و فرهنگی همه جوامع انسانی به شدت متأثر از تفاوت‌های جنسیتی است که غالباً علمی یا طبیعی نمایانده می‌شوند، اما در واقع برساخته اجتماعند و بویژه متأثر از تصورات قالبی و ایدئولوژی‌های جنسیتی هستند (جنکینز، ۱۳۸۴: ۲۷۴) و این چنین است که بسیاری از رده‌بندی‌ها و گروه‌بندی‌های نهادی و فرصت‌ها و تجربیات زندگی تحت تأثیر مسأله جنسیت قرار می‌گیرند (همان: ۱۰۲). به زعم جنکینز برای بررسی هویت‌ها اولین عاملی که می‌بایست به آن توجه کرد، والدین می‌باشند. به عبارت دیگر می‌توان گفت که مهم‌ترین عاملی که در شکل‌گیری هویت جنسیتی افراد مؤثر است، خانواده می‌باشد و بنابر تئوری جنکینز تأکید پژوهش حاضر نیز بر متغیرهای مربوط به خانواده می‌باشد.

تئوری یادگیری اجتماعی آلبرت باندورا

این نظریه متعلق به حوزه روانشناسی اجتماعی است و اعتقاد اساسی آن این است که رفتار شخص محصول یادگیری پیشین اوست و رفتار کنونی بوسیله تجربیات گذشته شکل می‌گیرد. آلبرت باندورا مدعی است که غالب رفتارهای انسان از طریق مشاهده و در طول فرآیند الگوسازی آموخته می‌شود. (سلیمی و داوری، ۱۳۸۵: ۴۰۵) بر این اساس رفتار از دو طریق کسب می‌شود: تقویت و الگوگیری. فرآیند تقویت بر این اصل استوار است که رفتارهای با نتایج مطلوب به احتمال زیاد تکرار می‌شوند و از سویی دیگر یادگیری اجتماعی از طریق مشاهده و تقلید رفتار دیگران نیز رخ می‌دهد. بر همین اساس برای کودک آنچه مشاهده می‌کند از اهمیت بسیاری برخوردار است. نحوه رفتار والدین با یکدیگر و با فرزندان‌شان تأثیر بسیار پایدار و ماندگار بر جای می‌گذارد (آلن اوراس، ۱۳۸۱: ۲۴۵ و سلیمی و داوری، ۱۳۸۵: ۴۰۹-۴۰۳) بنابراین طبق این نظریه می‌توان گفت تعاملات در درون خانواده تحت تأثیر جامعه‌پذیری و سرمشق‌گیری خواهد

بود؛ چرا که نحوه رفتار والدین با یکدیگر، شیوه برخورد با فرزندان دختر و پسر، شیوه تقسیم کار در درون خانواده، هرم قدرت در خانواده بر شکل‌گیری هویت جنسیتی تأثیرگذار خواهد بود.

تئوری هویت هربرت مید

هربرت مید از بنیان‌گذاران اصلی مکتب کنش متقابل نمادین است. از دیدگاه این مکتب هویت اجتماعی عبارت است از دریافت ما از این که چه کسی هستیم؟ و این که دیگران چه کسی هستند؟ و این که مردم چه فهمی از خودشان و دیگران دارند؟ بنابراین هویت اجتماعی حاصل توقعات و عدم توقعات است (جنکینز، ۱۹۹۶: ۱۵).

مید ذهن انسان را به عنوان یک چیز یا یک پدیده در نظر نمی‌گرفت بلکه آن را همچون یک فراگرد اجتماعی می‌پنداشت. او معتقد است که ذهن و خود هر دو حاصل مشارکت در زندگی گروهی بوده است و درست از زمانی که کودک اقدام به برقراری کنش متقابل با دیگران می‌کند، به وجود می‌آید (ریترز، ۱۳۸۲: ۲۷۵). بنابراین طبق این نظریه قسمت اعظم تصورات و برداشتهای ما از خودمان به نحوه برداشت و تصورات دیگران از ما وابسته است. اگر نظر دیگران درباره ما تغییر کند احتمالاً نظر خودمان نیز درباره خود تغییر خواهد کرد. افراد در دل این کنشها و واکنشها یاد می‌گیرند که در جامعه قواعدی وجود دارد که برای پذیرفته‌شدن ملزم به رعایت آنها می‌باشند (توسلی، ۱۳۷۴: ۲۸۱). به زعم مید در حالیکه محیط دارای واقعیت است، اما بوسیله‌ی ارگانیزم بطور انتخابی ادراک شده و نسبت به آن واکنش نشان داده می‌شود. بنابراین کنش انسانی، واکنش چندگانه به محیط است که از لحاظ ذهنی معنادار است. ذهن انسان، توانائی ارگانیزم برای واکنش ذهنی به محرک‌های خارجی از طریق مفهوم سازی، تعریف، نمادسازی^۱، ارزیابی و بازتاب را نشان می‌دهد. این ذهن انسانی است که کنش‌های او را "منطقی" و "عملیاتی" و "معنادار" می‌سازد؛ در این معنا کنش یا رفتار، واکنش مکانیکی به محرک‌های خارجی نیست، بلکه چیزی است که بطور خلاقانه و انتخابی ایجاد شده است (سینگلمن، ۱۹۷۹: ۴۱۵).

بر اساس تئوری مید تصویر انسان از خودش یا به عبارت دیگر هویت هر فرد،

1. symbolizing

بازتاب تصورات و انتظارات دیگران از وی می‌باشد، نتیجتاً در بررسی فرآیند شکل‌گیری هویت جنسیتی زنان نیز بایستی به تصورات و انتظارات دیگران و خصوصاً خانواده توجه کرد. به نظر می‌رسد مناسباتی که در خانواده بین افراد وجود دارد، نقش مهمی در شکل‌گیری تصورات افراد از خود یا هویت جنسیتی ایفا می‌کند بنابراین متغیرهای مورد نظر در این پژوهش قابل دریافت از تئوری مید نیز می‌باشد.

دیدگاه فمینیسم لیبرال

فمینیسم را می‌توان جریانی فکری و از نهضت‌های حقوق بشر دانست که جوهره اصلی آن بازتعریف هویت اجتماعی زنان است. در واقع فمینیسم محصول دوران پس از روشنگری است. (مشیرزاده، ۱۳۸۳ : ۴۹۶) هدف مشترک همه شاخه‌های فمینیسم جنسیت‌زدایی از تفاوت‌های اجتماعی و فرهنگی و انکار هویتی است که مردان برای زنان تعریف می‌کنند و در جامعه پدر سالار نیز تقدیس می‌شود. (کاستلز، ۱۳۸۰ : ۲۷۷) بر مبنای این تفکر زن موجودی است که همان حقوق طبیعی و سلب‌نشده‌ی مردان را دارد. حقوق زن به جنس او ربطی ندارد. در قوای عقلی زنان نقصی نیست و لذا حق دارند از حقوق انسانی یکسانی برخوردار باشند این در حالی است که امروزه به زنان به خاطر جنسیتشان ستم می‌شود و به نیازها، خواسته‌ها، منافع و توانایی‌هایشان توجه نمی‌شود و برای نیازهای فردی آنها محدودیت خاصی مقرر می‌کنند. زنان از حقوق مساوی با مردان محرومند و آزادی‌هایی که برای مردان وجود دارد از گروه زنان دریغ شده است (آبوت و والاس، ۱۳۸۲ : ۲۸۷). هدفی که فمینیست‌های لیبرال دنبال می‌کنند اثبات این نکته است که تفاوت‌های قابل مشاهده میان دو جنس ذاتی نیست، بلکه نتیجه جامعه‌پذیری و همگون‌سازی جنس و نقش است. تفاوت رفتار با دختران و پسران کم و بیش از بدو تولد آغاز می‌شود و از شکوفایی کامل ظرفیت‌های انسانی جلوگیری می‌کند (آبوت و والاس، ۱۳۸۲ : ۲۸۸) و تفاوت‌های طبیعی بین زن و مرد آنقدر نیست که زن و مرد را در سپهر عمومی از یکدیگر متمایز کند بلکه نظام تقسیم کار جنسیتی است که مردان را به حوزه عمومی و زنان را به حوزه خصوصی هدایت می‌کند (زیبایی نژاد، ۱۳۸۲ : ۱۰۷).

در این پژوهش سعی بر آن است که با ترکیب چهار نظریه فوق چارچوب تئوریکی مناسبی جهت تبیین فرآیند شکل‌گیری هویت جنسیتی ارائه نمود. لذا با توضیحاتی که

از این نظریات مطرح شد می‌توان گفت که تأکید اصلی در هر چهار نظریه تا حدودی بر فرآیند جامعه‌پذیری است و از آنجا که عمدتاً این فرآیند از طریق نهاد خانواده و آموزش انجام می‌پذیرد در تبیین ایجاد هویت جنسیتی از متغیرهایی نظیر تقسیم کار جنسیتی در خانواده، هرم قدرت در خانواده، پایگاه اجتماعی - اقتصادی فرد و تبعیض جنسیتی در خانواده استفاده کرده‌ایم؛ چرا که این نهادها با محدود کردن نقش‌های جنسیتی زنان و توزیع نقشها و منزلتها بر اساس تبعیض و تقسیم کار جنسیتی نه تنها باعث پذیرش هویت فرودستی در زنان می‌شوند بلکه با محدود کردن عرصه‌های خلاقیت و مشارکت، عملاً هویت زنان را مطابق الگوی کلیشه‌ای و جاافتاده سنتی طراحی می‌کنند. به طوری که در جوامع سنتی، نقشهای زنان چیزی جز نقش کلیشه‌ای همسری و مادری نیست و این نقشها چنان درونی می‌شود که پایه اصلی شکل‌گیری هویت آنها را تشکیل می‌دهد. در چنین فرهنگی زنان بدون هیچ‌گونه چون و چرایی تفاوت‌های جنسیتی، تبعیضها و هویت‌های فرودست را می‌پذیرند. اما در جوامع عصر حاضر در پی تحولات ساختاری و نهادی بوجود آمده زنان در مورد پذیرش هویت‌های اجتماعی سنتی و مدرن خویش تأمل و چون و چرا می‌کنند، زیرا که امروزه با مشارکت زنان در عرصه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و ... منابع هویت‌سازی آنها متعدد و متکثر شده و از این رو دیگر آنان حاضر به پذیرش هویت‌های تحمیلی و اجباری نیستند.

متغیرهای پژوهش

متغیرهای مستقل:

هرم قدرت در خانواده^۱: هرم قدرت در خانواده همان «الگوی اقتدار بین زن و شوهر و فرزندان در خانواده است» (کشاورز، ۱۳۸۲: ۵۷ به نقل از حبیب‌اله، ۱۳۸۲).
تقسیم کار جنسیتی در خانواده^۲: تقسیم وظایف خانوادگی در چارچوب جنسیت. به این صورت که زنان را صرف نظر از تفاوت‌های تحصیلی و فنی به پذیرش شغل‌های زنان و ارائه خدمات به مردان وا می‌دارد (هام و کمپل، ۱۳۸۲: ۱۲۶ به نقل از نیازی ۱۳۸۶)

1. Power in family
2. Gender division of labor

تبعیض جنسیتی در خانواده^۱: به معنای «انحصاری نمودن مجامع، موقعیتها، مزایا و مواهب در هر جامعه به صورتی که یک جنس از آن برخوردار و دیگری از آن محروم شود» (شهشهانی، ۱۳۷۴: ۲۳).

پایگاه اجتماعی - اقتصادی: برای سنجش این متغیر از شاخص‌های تحصیلات پدر و مادر، شغل پدر و میزان درآمد استفاده گردید.

متغیر وابسته:

هویت جنسیتی^۲: بنا به تعریف سوزان گولومبرک و رابین فی وش هویت جنسیتی عبارت از «برداشت یا تعریفی که فرد از خود به عنوان یک زن یا یک مرد دارد» (گولومبرک و فی وش، ۱۳۷۸: ۱۲).

هویت جنسیتی سنتی: وبر سنت‌گرایی را عبارت از «مجموعه‌ای از ایستارهای ذهنی برای کارهای عادی روزمره... و باور به امر روزمره عادی به عنوان هنجارهای غیر قابل تخطی می‌داند» (مشیرزاده، ۱۳۸۲: ۵).

هویت جنسیتی سنتی را بر این اساس می‌توان اعتقاد و رفتار در قالب کلیشه‌های جنسیتی سنتی که ازلی و غیر قابل تغییر و محترم پنداشته می‌شود دانست که در آن دیدگاه و نوع نگرش فرد، زن یا مرد بودنش نیز از این منظر تعریف می‌شود و فرد برای خود از این منظر جایگاهها، فرصت‌ها و حتی نیازهای متفاوتی در نظر می‌گیرد.

هویت جنسیتی مدرن: دیدگاه مدرن و عقلانیت مدرن، تسلیم‌پذیری، انقیاد، پذیرش بی چون و چرا و ثبات زندگی سنتی را نمی‌پذیرد و تغییر در همه ابعاد حیات فردی را، اقتصادی و سیاسی را در کنار دگرگون کردن طبیعت و افزایش امکانات، طبیعی و حتی جایز قلمداد می‌کند (مشیرزاده، ۱۳۸۲: ۱۲).

فرضیات پژوهش

- بین متغیر هرم قدرت در خانواده و شکل‌گیری هویت جنسیتی زنان (سنتی/مدرن) رابطه معنی‌دار وجود دارد.

1. Gender discrimination in the family
2. Gender identity

- بین متغیر تقسیم کار جنسیتی در خانواده و شکل‌گیری هویت جنسیتی زنان (سنتی/ مدرن) رابطه معنی‌دار وجود دارد.
- بین متغیر تبعیض جنسیتی در خانواده و شکل‌گیری هویت جنسیتی زنان (سنتی/ مدرن) رابطه معنی‌دار وجود دارد.
- بین متغیر پایگاه اجتماعی - اقتصادی و شکل‌گیری هویت جنسیتی زنان (سنتی/ مدرن) رابطه معنی‌دار وجود دارد.

روش‌شناسی پژوهش

تحقیق حاضر از جمله طرح‌های شبه آزمایشی و از نوع طرح‌های همبستگی است، که غالباً به‌عنوان طرح‌های منطقی نیز بدان اشاره می‌شود و مسلط‌ترین طرح غالب در تحقیقات پیمایشی است (ناچمیاس، ۱۹۷۶: ۴۲). روش تحقیق حاضر از نوع پیمایشی و تکنیک به کار گرفته شده، تکنیک نمونه‌گیری است. ابزار جمع‌آوری اطلاعات پرسشنامه و واحد تحلیل فرد می‌باشد.

جمعیت آماری، دانشجویان دختر دانشگاه پیام نور جهرم در سال تحصیلی ۸۷-۱۳۸۶ می‌باشد، که معادل ۳۳۷۰ نفر بوده که با استفاده از فرمول کوکران حجم جمعیت نمونه ۳۸۲ نفر در نظر گرفته شد، که داده‌های پژوهش بر اساس نمونه‌گیری تصادفی از بین دانشجویان دختر دانشگاه جمع‌آوری گردید.

واژه اعتبار اشاره به این نکته دارد، که یک سنجۀ تجربی تا چه حد «معنای واقعی» مفهوم مورد بررسی را به قدر کافی منعکس می‌کند (ببی، ۱۳۸۵: ۲۸۲). در این تحقیق، از اعتبار صوری^۱ استفاده شده است. برای سنجش پایائی تحقیق نیز از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده که مقدار آن برای متغیر وابسته ۰/۸۳۳، و برای تبعیض جنسیتی معادل ۰/۸۶۸، برای تقسیم کار جنسیتی معادل ۰/۸۳۹ و برای هرم قدرت در خانواده معادل ۰/۸۸۸ بوده است.

در پژوهش حاضر برای انجام پردازش اطلاعات از نرم افزار آماری SPSS و با آماره‌هایی همچون ضریب همبستگی پیرسون، تحلیل واریانس و رگرسیون چند متغیره

برای آزمون فرضیات و از تکنیک تحلیل مسیر برای ارائه مدل تجربی استفاده گردیده است.

نتایج پژوهش

در این قسمت به توصیف و تجزیه و تحلیل داده‌ها خواهیم پرداخت.

متغیر سن:

همان‌گونه که در جدول شماره ۱ مشاهده می‌شود میانگین سنی پاسخگویان حدوداً ۲۳ سال می‌باشد. حداقل سن پاسخگویان ۱۸ و حداکثر سن آنان ۳۶ سال بوده است.

جدول ۱: آمارهای مربوط به متغیر سن

مقدار	آماره های توصیفی
۲۳/۱۴	میانگین
۳/۶۴۷	انحراف استاندارد
۱۳/۲۹۹	واریانس
۱۸	حداقل
۳۶	حداکثر

متغیر محل سکونت:

از کل پاسخگویان ۲۱۴ نفر ساکن جهرم، ۴۵ نفر ساکن حومه و ۱۱۶ نفر ساکن شهرستان‌های دیگر می‌باشند.

جدول ۲: آمارهای مربوط به متغیر محل سکونت

تعداد (نفر)	محل سکونت
۲۱۴	جهرم
۴۵	حومه جهرم
۱۱۶	شهرستان

متغیر میزان تحصیلات والدین:

میزان تحصیلات پدر و مادر به عنوان یکی از شاخص‌های پایگاه اجتماعی-اقتصادی در نظر گرفته شده است. همانگونه که در جدول ۳ مشاهده می‌شود، میزان تحصیلات پدر بیش از ۷۲ درصد از پاسخگویان دیپلم و زیر دیپلم می‌باشد. در مورد میزان تحصیلات مادر این رقم حدود ۸۲ درصد می‌باشد.

جدول ۳: متغیر میزان تحصیلات پدر و مادر

مادر		پدر			میزان تحصیلات	
فراوانی تجمعی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی		
۵/۵	۵/۵	۲۱	۵/۰	۵/۰	۱۹	بی سواد
۳۳/۰	۱۷/۵	۱۰۵	۲۹/۱	۲۴/۱	۹۲	ابتدائی
۶۳/۱	۳۰/۱	۱۱۵	۴۹/۵	۲۰/۴	۷۸	سیکل
۸۱/۹	۱۸/۸	۷۲	۷۲/۳	۲۲/۸	۸۷	دیپلم
۹۳/۷	۱۱/۸	۴۵	۸۴/۸	۱۲/۶	۴۸	فوق دیپلم
۹۸/۴	۴/۷	۱۸	۹۲/۹	۸/۱	۲۹	لیسانس
۱۰۰/۰	۱/۶	۶	۱۰۰/۰	۷/۱	۲۷	فوق لیسانس و بالاتر

آزمون فرضیات

فرضیه اول: در فرضیه نخست پیش بینی می‌شود بین متغیر هرم قدرت در خانواده و شکل‌گیری هویت جنسیتی زنان (سنتی / مدرن) رابطه معنی‌دار وجود دارد. ضریب همبستگی بین این دو متغیر معادل ۰/۷۵۷ می‌باشد، که این ضریب در سطح ۰/۰۱ معنی‌دار می‌باشد. به عبارت دیگر هرچه هرم قدرت در خانواده یا الگوی اقتدار سنتی‌تر باشد، هویت جنسیتی نیز شکل سنتی به خود می‌گیرد.

جدول ۴: شاخص همبستگی پیرسون بین متغیرهای هرم قدرت در خانواده و شکل‌گیری هویت جنسیتی

نام متغیر	همبستگی پیرسون	سطح معنی داری
-----------	----------------	---------------

هرم قدرت در خانواده	۰/۷۵۷	۰/۰۰۰
---------------------	-------	-------

فرضیه دوم: بر اساس فرضیه دوم، بین تقسیم کار جنسیتی در خانواده و شکل‌گیری هویت جنسیتی زنان (سنتی / مدرن) رابطه معنی‌دار وجود دارد. ضریب همبستگی پیرسون بین این دو متغیر معادل ۰/۵۸۳ می‌باشد که این رقم در سطح ۰/۰۱ معنی‌دار می‌باشد. بنابراین می‌توان این‌گونه بیان کرد که هرچه تقسیم کار جنسیتی شدیدتر باشد، هویت جنسیتی نیز سنتی‌تر خواهد بود.

جدول ۵: شاخص همبستگی پیرسون بین متغیرهای تقسیم کار جنسیتی و شکل‌گیری هویت جنسیتی

نام متغیر	همبستگی پیرسون	سطح معنی داری
تقسیم کار جنسیتی	۰/۵۸۳	۰/۰۰۰

فرضیه سوم: فرضیه سوم پیش‌بینی می‌کند که بین متغیر تبعیض جنسیتی در خانواده و شکل‌گیری هویت جنسیتی زنان (سنتی / مدرن) رابطه معنی‌دار وجود دارد. نتایج نشان می‌دهد که رابطه این دو متغیر نیز در سطح ۰/۰۱ معنی‌دار می‌باشد. مقدار ضریب همبستگی بین این دو متغیر معادل ۰/۷۷۳ می‌باشد. بدین ترتیب هرچه تبعیض جنسیتی در خانواده بیشتر اعمال شود، هویت جنسیتی زنان سنتی‌تر خواهد بود.

جدول ۶: شاخص همبستگی پیرسون بین متغیرهای تبعیض جنسیتی و شکل‌گیری هویت جنسیتی

نام متغیر	همبستگی پیرسون	سطح معنی داری
تبعیض جنسیتی	۰/۷۷۳	۰/۰۰۰

فرضیه چهارم: بر اساس فرضیه چهارم بین متغیر پایگاه اجتماعی - اقتصادی و شکل‌گیری هویت جنسیتی زنان (سنتی / مدرن) رابطه معنی‌دار وجود دارد. نتایج مؤید وجود رابطه بین این دو متغیر می‌باشد. مقدار ضریب همبستگی پیرسون بین متغیر پایگاه اجتماعی - اقتصادی و شکل‌گیری هویت جنسیتی زنان، ۰/۶۲۷ - می‌باشد؛ که این ضریب در سطح ۰/۰۱ معنی‌دار می‌باشد. بنابراین هر چه فرد از پایگاه اجتماعی -

اقتصادی پائین‌تر برخوردار باشد، هویت جنسیتی وی سنتی‌تر خواهد بود. نتیجتاً افراد با پایگاه اجتماعی - اقتصادی بالا از هویت جنسیتی مدرن‌تری برخوردارند.

جدول ۷: شاخص همبستگی پیرسون بین متغیرهای پایگاه اجتماعی - اقتصادی و شکل‌گیری هویت جنسیتی

نام متغیر	همبستگی پیرسون	سطح معنی داری
پایگاه اجتماعی - اقتصادی	-۰/۶۲۷	۰/۰۰۰

معادله رگرسیونی پیش‌بینی شکل‌گیری هویت جنسیتی

برای ساختن معادله رگرسیونی پیش‌بینی شکل‌گیری هویت جنسیتی، متغیرهایی که در سطح فاصله‌ای بوده‌اند، و دارای رابطه با متغیر وابسته بوده‌اند را به عنوان متغیر مستقل و متغیر هویت جنسیتی به عنوان متغیر وابسته وارد شدند. بررسی نتایج بدست آمده در جدول بیانگر آن است، که معادله پیش‌بینی شکل‌گیری هویت جنسیتی می‌تواند، ۷۸/۴ درصد از واریانس متغیر وابسته را پیش‌بینی نماید، که این مطلب را R^2 به ما نشان می‌دهد.

مقدار R یا همبستگی بین مقادیری که بوسیله معادله پیش‌بینی می‌شوند و مقادیر واقعی وجود دارد؛ یا به عبارت دیگر ۸۸/۵ درصد مقادیری که پیش‌بینی می‌شود، با مقادیر واقعی یکسان هستند. با توجه به سطح معنی‌داری به دست آمده مقادیر در سطح بالاتر از ۹۹ درصد از لحاظ آماری معنی‌دار می‌باشند. از آنجایی که مدل پژوهش، توانسته با استفاده از چهار متغیر هرم قدرت در خانواده، تقسیم کار جنسیتی، تبعیض جنسیتی و پایگاه اجتماعی - اقتصادی ۷۸/۴ درصد از واریانس متغیر وابسته را پیش‌بینی کند، می‌توان گفت از قدرت پیش‌بینی خوبی برخوردار است.

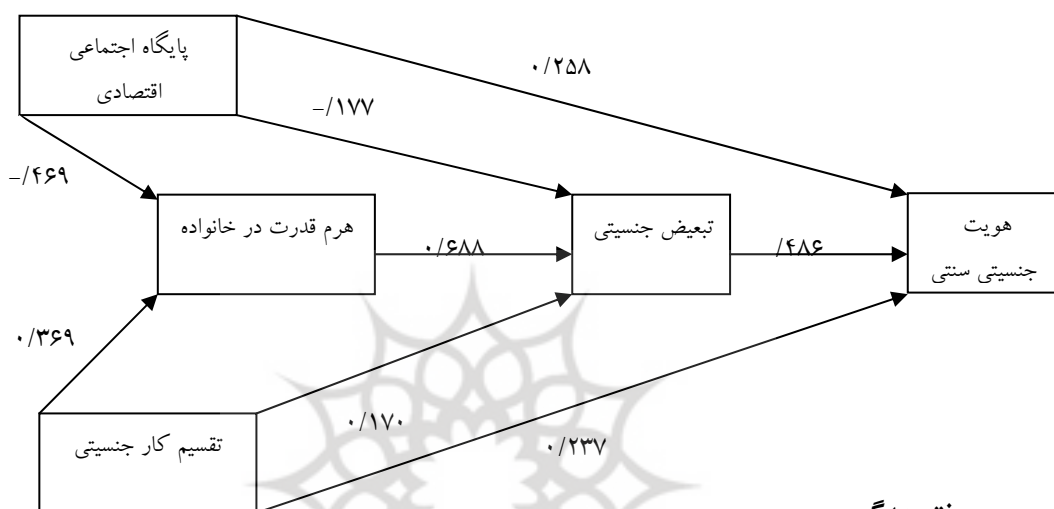
جدول ۸: تجزیه واریانس رگرسیون چند متغیره شکل‌گیری هویت جنسیتی

منبع تغییرات	درجه آزادی	مجموع مربعات	میانگین مربعات	کمیت F	سطح معنی‌داری F

۰/۰۰۰	۲۵۰/۹۷۶	۳۴۹۵/۷۰۵	۱۷۴۷۸/۵۲۵	۵	اثر رگرسیون
		۱۳/۹۲۵	۴۸۱۹/۲۴۸	۳۴۶	باقی مانده
			۳۲۷۴۱/۳۰۴	۳۵۱	کل

$$R=۰/۸۸۵ \quad R^2=۰/۷۸۴$$

ارائه مدل تجربی روابط علی بین متغیر هویت جنسیتی (متغیر وابسته) و عوامل مؤثر بر آن (متغیرهای مستقل):



نتیجه گیری

مهمترین متغیر در شکل گیری هویت جنسیتی دختران، تبعیض جنسیتی است. بدلیل اینکه ضریب بتا یا سهم تأثیر این متغیر در تبیین متغیر وابسته (هویت جنسیتی) ۰/۴۸۶ بوده است مهمترین متغیر تبعیض جنسیتی در خانواده بوده است. بدین ترتیب هرچه در خانواده بیشتر موقعیتها و فرصتها در انحصار مردان بوده باشد، هویت زنان نیز به شکل سنتی شکل گرفته است. یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که هرم قدرت در خانواده در شکل گیری هویت جنسیتی زنان مؤثر می‌باشد. بدین ترتیب که هر چه الگوی اقتدار در خانواده سنتی تر باشد، هویت زنان نیز سنتی تر بوده است؛ و هر چه اقتدار در خانواده از شکل

سنتی فاصله گرفته باشد، هویت زنان نیز به سمت هویت مدرن تمایل پیدا کرده است، که در این وضعیت زنان، انقیاد، تسلیم و پذیرش بی‌چون و چرا که از مهم‌ترین ویژگی‌های هویت سنتی است را نمی‌پذیرند. نیازی نیز در تحقیق خود به بررسی هویت اجتماعی زنان پرداخته است. نتایج تحقیق وی نشان می‌دهد که هویت زنان از شکل سنتی آن کاسته شده و به سمت هویت مدرن گرایش نشان می‌دهد. عمده‌ترین متغیرهای شکل دهنده‌ی هویت آنان خانواده و نهادهای سنتی می‌باشند. همان‌گونه که نیکجو در پژوهش خود بر عوامل خانوادگی تأکید داشته است و به بررسی تقسیم‌کار جنسیتی و پیامد آن پرداخته است که عمده‌ترین آن عدم مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی زنان است.

تقسیم‌کار جنسیتی در خانواده نیز از دیگر عوامل مؤثر بر شکل‌گیری هویت زنان در پژوهش حاضر بوده است؛ به طوری‌که هر چه تقسیم‌کار جنسیتی شدیدتر بوده، هویت زنان نیز به صورت سنتی شکل گرفته است. بنابراین می‌توان چنین نتیجه گرفت که هر چه زنان به کارهای زنانه، صرف نظر از تفاوت‌های تحصیلی و فنی و ارائه‌ی خدمات به مردان وادار شوند، هویت آنان در آینده سنتی‌تر خواهد بود.

متغیرهای تأثیرگذار دیگر، متغیر پایگاه اجتماعی-اقتصادی است. یافته‌ها نشان می‌دهد که هرچه زنان از پایگاه اجتماعی-اقتصادی بالاتری برخوردار بوده‌اند، هویت آنان به صورت مدرن شکل گرفته است و زنان با پایگاه پایین‌تر، واجد هویت سنتی‌تر بوده‌اند.

نتایج پژوهش حاضر همچنین نشان دهنده‌ی همبستگی میان متغیر سن و متغیر هویت می‌باشد. بدین ترتیب که افراد مسن‌تر دارای هویت سنتی‌تر از افراد جوان‌تر می‌باشند. و در پایان نتایج نشان دهنده‌ی تأثیر محل سکونت در شکل‌گیری هویت بوده است. بدین صورت که ساکنین حومه‌ی جهرم واجد هویت سنتی‌تر از سایرین بوده‌اند.

نتایج پژوهش حاضر، نتایج پژوهش هیلمن را رد می‌کند. نتایج پژوهش هیلمن نشان می‌دهد، خانواده نقش ضعیف و کم‌رنگی در شکل‌گیری هویت دختران ایفا می‌کند و در مقابل مدرسه و معلمان بیشترین نقش را در شکل‌گیری هویت دختران ایفا می‌کنند.

در پایان می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که، دختران در یک وضعیت‌گذار از هویت سنتی به هویت مدرن بسر می‌برند. به گونه‌ای که دختران امروز دیگر نقش‌های

کلیشه‌ای و تحمیلی خانواده خویش را به راحتی نمی‌پذیرند؛ در واقع نقش‌های جنسیتی سنتی مشروعیت خویش را در ذهن دختران امروز از دست داده‌اند. نتیجه این وضعیت، سردرگمی، تعارض و به طور کلی ایجاد یک وضعیت بحران هویت در بین آنان گردیده است. برای برون‌رفت از این بحران پیشنهاد می‌شود که بین نهادهای آموزشی و تربیتی رسمی در جامعه و نهاد خانواده هماهنگی بیشتری در جهت آگاهی خانواده‌ها از وضعیت فرزندان و بالا رفتن کیفیت تربیت فرزندان صورت پذیرد. به عنوان مثال بایستی جلسات آموزشی منظم و هفتگی از طرف آموزش و پرورش، دانشگاه و ... برای آموزش خانواده‌ها برگزار گردد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

- آبوت، پاملا و والاس، کلر (۱۳۸۱) جامعه‌شناسی زنان، منیژه نجم عراقی، تهران، نی، چاپ دوم.
- احمدی، اصغر (۱۳۸۱) بررسی تأثیر خانواده بر نگرش‌های جنسیتی فرزندان، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی تهران.
- ارونسون، الیوت (۱۳۸۲) روانشناسی اجتماعی، ترجمه حسین شکرکن، تهران، رشد.
- اوراس، آلن (۱۳۷۳) روانشناسی شخصیت، سیاوش جمال‌فر، تهران، بعثت.
- بی، ارل (۱۳۸۵). روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی، جلد اول، ترجمه رضا فاضل، تهران، سمت.
- بیرو، آلن (۱۳۷۵). فرهنگ علوم اجتماعی، باقر ساروخانی، تهران، موسسه کیهان.
- توسلی، غلامعباس (۱۳۷۴) نظریه‌های جامعه‌شناسی، تهران، سمت.
- حبیب اله، ندا (۱۳۸۲). بررسی عوامل مؤثر بر تقسیم نقش‌های خانوادگی، پایان نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی.
- جنکینز، ریچارد (۱۳۸۱) هویت اجتماعی، تورج یار احمدی، تهران، شیرازه.
- رفعت جاه، مریم (۱۳۸۳) «بررسی عوامل مؤثر در باز تعریف هویت اجتماعی زنان تهران» دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی
- ریتزر، جرج (۱۳۸۲) نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر، محسن ثلاثی، تهران، علمی
- زیبایی نژاد، محمد (۱۳۸۲) فمینیسم، مرکز مدیریت حوزه علمیه خاوران و دفتر مطالعات و تحقیقات زنان.
- سارو خانی، باقر (۱۳۸۰) روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی، جلد یک، تهران، پژوهشکده علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
- سلیمی، علی، داوری، محمد (۱۳۸۵) جامعه‌شناسی کجروی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- شهشهانی، سهیلا (۱۳۷۴). اینجا ایران، من زن: نام و یاد زنان در رشته‌های علوم انسانی و هنر، تهران، مدبر.
- فیض درگاه، لیلیا (۱۳۷۶) بررسی هویت در دختران نوجوان با تاکید بر هویت شغلی در اواخر نوجوانی. دانشگاه علامه طباطبائی.
- کاستلز، امانوئل (۱۳۸۰) عصر اطلاعات، قدرت، هویت، ترجمه حسن چاوشیان، تهران، طرح نو.
- گولومبرک، سوزان و رابین فی وش (۱۳۷۸) رشد جنسیت، ترجمه مهرناز شهرآرای، ققنوس.
- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۳). مقدمه بر مطالعات زنان. تهران، وزارت علوم، تحقیقات و فن‌آوری.

نیازی، امین (۱۳۸۶) بررسی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری هویت اجتماعی مدرن - سنتی، در دختران دانشجوی دانشگاه شهید چمران اهواز. پایان نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه شهید چمران.

نیکجو، محمدرضا (۱۳۷۷) بررسی عوامل خانوادگی مؤثر بر نگرش دختران نسبت به نقش اجتماعی خود. دانشکده علوم انسانی دانشگاه اصفهان.

Croger, Jane (1996). Identity in Adolescence, London and New York
Routledge

Singman, D (1979). Exchange as symbolic interaction, American
sociological Review. Vol, 73.N.G.

Heilman, Elizabeth (1998) " the struggle for self power and identity
in Adolescent Girls" Youth & Society , Vol 3 . n . 2

www.sofi.su.se/lnu2000/english.htm -

Nachmias. D and Nachmias, Research method in social sciences.
Arnold, 1976.

Zimmerman, P. & Becker – Stoll, F(2002). Stability of attachment
representation of ego – identity status. Journal of Adolescence,
vol 25.

